نفر دوم از سمت چپ، در کنار امام خمینی(ره)، مقام معظم رهبری نیز در تصویر دیده می‌شوند

اما ایشان قبول نکرد. موقع برگشت با تعجب پرسیدم حکمت نماندن شما چه بود؟ سید گفت: نورانیتی در این بچه‌ها بود که واقعا خجالت کشیدم پیش‌شان بمانم. اینها یکپارچه نور بودند.»

در میان رزمنده‌هایی که نورانیت‌شان عارفی مثل آقا سیدکمال موسوی را شرمنده می‌کرد، حاج‌قاسم برای او طور دیگری بود. جوری که نگرانش می‌شد مبادا برای او اتفاقی بیفتد. خالقی تعریف می‌کند: «در جریان عملیات کربلای۴ برادرم محمد شهید شد. ترکش راکت سر و دستش را برده بود و من نگران حال مادرم بودم که چطور با چنین خبر و صحنه‌ای مواجه شود. با آقاسیدکمال تماس گرفتم و گفتم دعا کنید مادرم بتواند تحمل کند. ایشان فورا پرسیدند که از آقای سلیمانی چه خبر؟ سلامت هستند؟ آنجا فهمیدم که آقاسیدکمال در حاج‌قاسم یک چیزی دیده است. از همان سال‌ها دیگر ارتباطم با او (شهید سلیمانی) عمیق شد و البته آقا سیدکمال هم در این رابطه به‌شدت موثر بودند.»

سیدکمال‌الدین موسوی سال ۶۶ هنگام عزیمت از قم به سمت تهران تصادف می‌کند و به رحمت خدا می‌رود. خبر ارتحال او آن‌قدر بزرگ بود که حاج احمد آقا، فرزند امام، با احتیاط این خبر را به مقام معظم رهبری که آن زمان رئیس‌جمهور بودند اطلاع می‌دهد. حضرت‌آقا می‌فرمایند: «همین‌طور آرام آرام می‌خواست خبر بدهد، چون می‌دانست که من چقدر به آقا سیدکمال علاقه‌مندم. گفت که ماشین‌شان تصادف کرده است. پرسیدم طوری که نشده؟ گفت چرا! غرض؛ از فوت ایشان خبر داد و من خیلی منقلب شدم.»

آن‌طور که رهبری می‌فرمایند، حضرت امام هم بعد از شنیدن خبر فوت آقا سیدکمال آن‌قدر ناراحت می‌شوند که جلسه‌شان با سران سه قوا را زودتر از حد معمول خاتمه می‌دهند و جلسه را ترک می‌کنند. «امام گفتند دیگر حال ندارم. ناراحتم و به طرف در اتاق رفتند. معمولا ایشان را تا دم در اتاق بدرقه می‌کردیم و تشریف می‌بردند. همین‌طور که می‌رفتند گفتند حادثه‌ای برای ما اتفاق افتاده است که من خیلی ناراحتم! خیلی ناراحتم!... حاج احمد آقا برگشت گفت که خبر فوت آقا سیدکمال را تازه به امام داده‌ایم. آن وقت معلوم شد که ناراحتی امام، به خاطر فوت ایشان است. من تا آن موقع نمی‌دانستم امام به ایشان (آقا سیدکمال) این‌قدر علاقه دارند؛ تا حدی که بگویند برای ما حادثه‌ای اتفاق افتاده که من خیلی ناراحتم! خیلی ناراحتم!»

خبر ارتحال آیت‌ا... سیدکمال‌الدین موسوی برای رزمنده‌های کرمانی و شخص حاج‌قاسم هم بسیار ناراحت‌کننده بود اما آقا سیدکمال پیش از آن‌که فوت کند، حرزی برای حاج‌قاسم می‌فرستد تا نگهدار او از بلایا باشد. خالقی تعریف می‌کند: «بعد از این‌که همراه آقا سیدکمال از منطقه (جنگی) برگشتیم، ایشان به من سپرد که هر وقت خواستی دوباره به اهواز بروی، به من سر بزن. روز حرکت، صبح رفتم خدمت‌شان. ایشان سه تا حرز دادند و گفتند: یکی مال خودت. این راهم بده به آقای سلیمانی و حرز سوم را هم دادند برای یکی دیگر از برادران. می‌دانم که شهید سلیمانی همیشه و تا مدت‌ها حرزی که سیدکمال داده بود را به همراه داشت.»

هرجا بوی معنویتی خاص می‌آمد، حاج‌قاسم آنجا حاضر بود. روایت دوستی و مراوده‌اش با آیت‌ا... سیدکمال‌الدین موسوی هم از همین جا شروع شده، با معنویت، عشق، اخلاق و عرفان عجین می‌شود. برای همین است که مقام معظم رهبری در خصوص معنویت حاج‌قاسم می‌گوید: «معنویت او، شهادت او را این جور برجسته کرد.»

۱۶

نخستین عملیات

حضور در نخستین عملیات مستقل نیروهای کرمانی در منطقه کرخه‌کور

۱۷

گردان کرمانی‌ها

گردان نیروهای کرمانی در پنجم تیر ۶۰ به اهواز اعزام و ۱۰ روز بعد قاسم سلیمانی در سمت جانشینی گروهانی به کرمانی‌ها پیوست

۱۸

اولین عملیات

حضور در عملیات شهید چمران در ۵ مرداد در جبهه طراح و مجروحیت از ناحیه‌ی دست